

به نام خدا

# وقتی من بچه بودم - ۴ برونو یاد می‌گیرد که چطور نقاشی کند

مهارت‌های رفتاری برای کودکان پیش‌دبستانی

ترجمه‌ی شکیب شیخ‌الملوکی بازنوشته‌ی سوسن طاقدیس

دفتر و نمایشگاه مرکزی:  
تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره ۲۰، طبقه اول غربی  
تلفن: ۶۶۴۱۰۰۴۱ (خط ۵) • تلفکس: ۶۶۴۶۸۲۶۳  
کد پستی: ۱۳۱۵۸۵۳۴۹۳ • سامانه‌ی پیامکی: ۳۰۰۰۶۶۶۶۳  
www.zekr.co • Email: zekr\_publishery@yahoo.com



کتاب‌های قاصدک  
واحد کودک و نوجوان  
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر



- سرشناسه: طاقدیس، سوسن، ۱۳۳۸ - اقتباس‌کننده Susan Taghdis
  - عنوان و نام پدیدآور: برونو یاد می‌گیرد که چطور نقاشی کند: مهارت‌های رفتاری برای کودکان پیش‌دبستانی / بازنوشته سوسن طاقدیس: ترجمه‌ی شکیب شیخ‌الملوکی.
  - مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.
  - مشخصات ظاهری: ۲۴ ص: مصور (رنگی).
  - فروست: وقتی من بچه بودم: ۴.
  - شابک دوره: ۳-۸۲۶-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۲۳-۲؛ شابک: ۲-۸۲۳-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۲۳-۲
  - وضعیت فهرست نویسی: فیبا
  - یادداشت: عنوان اصلی: Bruno the artist
  - یادداشت: گروه سنی: الف، ب.
  - موضوع: کودکان - راهنمای مهارت‌های زندگی - داستان
  - موضوع: Children - life skills guides - Fiction
  - موضوع: نقاشی - Painting
  - موضوع: داستان‌های کارتونی - Comics books
  - شناسه افزوده: شیخ‌الملوکی، شکیب، ۱۳۶۶ - مترجم
  - رده‌بندی دیویی: ۱۳۹۵ بچ ۱۵۲ ط ۱۵۲ تا ۳۰۵/۲۳۱
  - شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۲۲۷۰۰
- برونو یاد می‌گیرد که چطور نقاشی کند  
بر اساس مجموعه‌ی when I was young  
ترجمه‌ی شکیب شیخ‌الملوکی  
بازنوشته‌ی سوسن طاقدیس  
مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلجیان  
صفحه‌آرایی: مهتاب یعقوبی  
تیراژ: ۲۰۰۰ جلد • چاپ اول: ۱۳۹۵  
لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۵/۷۲۰  
شابک: ۲-۸۲۳-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۲۳-۲  
شابک دوره: ۳-۸۲۶-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۲۶-۳  
کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای  
ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

## وقتی من بچه بودم



سلام، سلام  
من برونو هستم.  
این کتاب یک قصه درباره‌ی من است. درباره‌ی چیزهایی که  
نمی‌دانستم و یاد گرفتم.  
من نمی‌دانستم چی خوب است چی بد. برای همین خیلی توی  
دردسر می‌افتادم. ولی...  
مامانم خوب بود. بابام خوب بود. برادرم خوب بود. من هم  
می‌خواستم خوب باشم.  
می‌خواستم خوب بودن را یاد بگیرم و... یاد گرفتم. چه طوری؟  
برایتان می‌گویم...  
وقتی بچه بودم، خیلی چیزها را نمی‌دانستم، دلم می‌خواست برای  
مادرم نقاشی بکشم و آن‌ها را جایی بگذارم که او خوب ببیند. یک  
جای خوب پیدا کردم. اما وقتی مامان نقاشی‌هایم را دید، اتفاقی  
افتاد که فکرش را هم نمی‌کردم.



برنی، می آیی با من بازی کنی؟

نه برونو. من دارم یک نقاشی برای مامان می کشم.

پس من هم همین کار را می‌کنم. حتماً مامان  
خیلی خوشحال می‌شود.







خُب... حالا کجا نقاشی کنم...  
آهان این جا خیلی خوبه!